

نقش معادباوری در طهارت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه

فاطمه مرادی کهنکی* / علی مطوری** / امان اله ناصری کریموند***

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۴

چکیده

اصطلاح طهارت اقتصادی برای اولین بار توسط رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مطرح گردید. معظم له شرط مشروعیت مسئولین حکومتی را منوط به طهارت اقتصادی آنان دانستند. توجه به طهارت اقتصادی در زندگی در حوزه‌ی فردی مقدمه‌ای برای حفظ طهارت اقتصادی در هنگام تصدی مناصب حکومتی است. تحکیم مبانی اعتقادی، نقش مهمی در این مسأله دارد. تأثیر این مبانی و مفاهیم در سالم‌سازی نظام اقتصادی در بعد فردی و اجتماعی، بیشتر از تأثیر قضایا و روابط علت و معلولی اقتصادی است. یکی از این مبانی، اعتقاد به معاد است که از مهمترین عوامل سازنده‌ی اخلاق و رفتار انسان‌هاست به گونه‌ای که در تشویق انسان به انجام رفتارهای صحیح و دوری از رفتارهای ناپسند در همه‌ی زمینه‌ها به ویژه اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش معادباوری در طهارت اقتصادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌پردازد و صورت دقیقی از بایدها و نبایدها را برای تحقق طهارت اقتصادی ترسیم می‌کند. نتایج به دست آمده حاکی از این است که معادباوری نقش بنیادین، مبنایی و اساسی در سالم‌سازی و طهارت اقتصادی انسان دارد؛ به گونه‌ای که موجب می‌شود در کسب رزق و روزی، پرداخت حقوق شرعی و انسانی و در زمان تصدی مناصب و مشاغل، امیال مخرب نظیر طمع‌ورزی، بخل‌ورزی، مال‌اندوزی و گرایش به آرزوهای طولانی با یاد سفر مهم، دشوار و ابدی آخرت فروکش کرده و در بُعد اقتصادی شاهد طهارت و پاکی باشیم

18nafas@gmail.com

a.matouri@scu.ac.ir

amannaseri@gmail.com

* دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث

** استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز- دانشکده الهیات- گروه علوم قرآن و حدیث

*** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث

طرح مسئله

معاد یکی از ارکان و اصول دین اسلام است که بعد از اصل توحید و یکتاپرستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. همه‌ی ادیان الهی، این اصل اعتقادی را مطرح کرده‌اند که طبق آن مرگ پایان زندگی نیست و دنیایی گسترده‌تر از این دنیای مادی وجود دارد که انسان‌ها در آن به کیفر یا پاداش اعمال خود خواهند رسید و در آن جاودانه خواهند ماند. طبق این دیدگاه، دنیای فعلی، گذرا و موقت است. در مقابل این دیدگاه، نگاه دیگری وجود دارد که مرگ را پایان زندگی می‌داند و طبق آن انسان بعد از مرگ از بین می‌رود و اثری از او باقی نخواهد ماند. این دو دیدگاه موجب شکل‌گیری اعمال و رفتارهای متفاوتی می‌شوند.

از اثرات دیدگاه اول یعنی ایمان به معاد در شکل دادن به اعمال و رفتارها و به طور کلی زندگی انسان این است که اگر زندگی بعد از مرگ نباشد زندگی این جهان پوچ و بیهوده خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۱). چنان‌که منکران معاد چون زندگی را منحصر به این دنیا می‌دانند، به همین خاطر اغلب زندگی برای آنان پوچ و بی‌هدف می‌گردد و همواره به دنبال سرگرم نمودن خویش به وسیله‌ی لذت‌های کاذب هستند. با وجود ایمان به معاد، زندگی هدف‌دار می‌شود و همه‌ی اعمال و رفتارهای انسان مؤمن، جهت‌دار می‌گردد. در حالی که انسان غیر مؤمن به معاد، هدفی را برای مجموعه‌ی زندگی خود نمی‌یابد و زندگی برای او هدف‌دار، جهت‌دار و معنادار نیست. او برای رفتار خود چارچوبی نمی‌شناسد، هرگونه خواست و اراده کرد و دوست داشت عمل می‌کند یا حتی رفتار خود را مطابق دلخواه بدون احساس محدودیت، تغییر می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۷). منشأ جهت‌دار شدن اعمال و رفتارها و هدف‌داری زندگی این است که بر اساس دیدگاه معادباور در روز قیامت به عملکرد انسان رسیدگی می‌شود: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا...» (آل عمران/ ۳۰) (روزی که هر کس آنچه را از کار خیر (در دنیا) انجام داده و آنچه را از کار بد به جا آورده حاضر شده می‌یابد، آرزو می‌کند که کاش میان او و عمل‌های بدش مدت زمان درازی بود (قیامت به تأخیر می‌افتاد...)).

بخشی از این بازخواست و حسابرسی مربوط به فعالیت‌های اقتصادی انسان است. همه‌ی انسان‌ها به فعالیت اقتصادی برای ادامه‌ی حیات و امرار معاش خود نیاز دارند. ایمان به معاد و اعتقاد به اینکه حیات انسان تنها به این دنیا محدود نمی‌شود و هر عملی که در این دنیا انجام می‌دهد شکل‌دهنده‌ی زندگی او در آخرت خواهد بود، انگیزه‌ای برای توجه به فعالیت‌های اقتصادی و دقت در کسب رزق و روزی حلال و دوری از دست‌درازی به حقوق دیگران و حفظ پاکي و طهارت اموال و دارایی‌های خود،





خواهد شد. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به این سؤالات پاسخ می‌دهد که منظور از طهارت اقتصادی چیست و ملزومات اخلاقی آن کدام است؟ و معادباوری در طهارت اقتصادی افراد چه نقشی ایفا می‌کند؟ لازم به ذکر است که برای ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه آیت الله مشکینی و برای ترجمه عبارات نهج البلاغه از ترجمه محمد دشتی استفاده شده است و برای جلوگیری از افزایش حجم مقاله از درج متن عربی نهج البلاغه خودداری شده است.

پیشینه پژوهش

درباره معادباوری پژوهش‌های زیادی انجام شده است از جمله کتاب‌های: «معادباوری در آینه وحی (اعتقادی، اخلاقی، تربیتی)» تألیف سید حسن بطحایی گلپایگانی و «کارکردهای معادباوری» تألیف جمال الدین سلیمانی کیاسری و پایان‌نامه‌های: «معادباوری و نقش آن در پیشگیری از جرم» نوشته سمیرا محمدی مهرجو در سال ۱۳۹۴؛ «الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر قرآن کریم» نوشته فائزه مرادی در سال ۱۳۹۵؛ «موانع معادباوری از منظر کتاب و سنت با تأکید بر رویکرد روان‌شناختی» نوشته سید مهدی حسینی. در زمینه مسائل اقتصادی نیز پژوهش‌های زیادی انجام شده است؛ از جمله: کتاب «اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه» تألیف محسن حائری، پایان‌نامه «دیدگاه‌های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» نوشته اکرم محمدیان در سال ۱۳۹۱؛ مقاله «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» نوشته محمد مولایی چاپ شده در مجله پژوهشنامه نهج البلاغه در سال ۱۳۹۲.

اما جست‌وجو‌ها حاکی از آن است که پژوهشی که در آن، عنوان طهارت اقتصادی به کار رفته باشد، مشاهده نشد. همچنین پژوهش مستقلی که به دو متغیر معادباوری و طهارت اقتصادی در کنار هم پرداخته باشد به گونه‌ای که نقش معادباوری را در طهارت اقتصادی بررسی کرده باشد، یافت نشد.

۱. مفهوم‌شناسی

یکی از راه‌های مناسب برای دریافت‌های مشابه از مباحث در پژوهش‌ها به ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای، تعریف آن اصطلاحات و روشن کردن مفاهیم مورد بحث از نظر آن پژوهش است. به همین دلیل در ابتدا به تعریف مفهوم دو اصطلاح معادباوری و طهارت اقتصادی می‌پردازیم.

۱-۱. معادباوری

واژه «معاد» هم اسم مصدر است و هم اسم زمان و مکان. از این رو در معنی بازگشتن است و همچنین زمانی که در آن باز می‌گردند و نیز برای مکانی است که به آنجا باز می‌گردند (راغب اصفهانی،

۱۳۷۴: ۶۶۸/۲). معاد در اصطلاح نیز به معنای بازگشت به عالم آخرت و زندگانی پس از مرگ است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِكُتُبٍ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء / ۱۰۴) ((به یاد آر) روزی که ما آسمان را در پیچیم چنان که طومار نوشته‌ها را درمی‌پیچد، همان‌گونه که نخستین بار آفریدگان را به وجود آوردیم دوباره آنان را باز می‌گردانیم؛ وعده‌ای است بر عهده‌ی ما که بی‌تردید انجام دهنده‌ی آنیم). طباطبایی معتقد است که ظاهر سیاق آیات می‌رساند که ما خلق را همان‌طوری که قبلاً به آسانی ایجاد کرده بودیم بر می‌گردانیم بدون اینکه برای ما دشواری داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۴۶۵). این آیه بیانگر این است که خداوندی که بر اساس دانایی و توانایی خود، مخلوقات به ویژه انسان‌ها را آفریده است، بر آفرینش مجدد و زنده کردن دوباره جهان و مخلوقاتش نیز توانا خواهد بود.

در نهج البلاغه در موارد متعددی لحظات برپایی قیامت توصیف شده است. امام علی پایان دنیا را که همراه با حرکت و شکافتن آسمان‌ها و متلاشی شدن کوه‌ها و دیگر پدیده‌های زمین است توصیف کرده و می‌فرماید: «... سپس هر کس را که در زمین به خاک سپرده شده، در آورد و پس از فرسودگی تازه‌شان گرداند و پس از پراکنده شدن، همه را گرد آورد، سپس برای حسابرسی و روشن شدن اعمال از هم جدا سازد. آنها را به دو دسته تقسیم فرماید: به گروهی نعمت‌ها دهد و از گروه دیگر انتقام گیرد. ...» (خطبه ۱۰۹).

باور به معاد، یکی از کاربردی‌ترین مبانی اعتقادی است که طبق آن مرگ، نقطه‌ی پایان زندگی نیست. معاد، علاوه بر اسلام، در تمام ادیان الهی مسأله‌ای ضروری و انکارناپذیر شمرده شده است. در میان مبانی اعتقادی، هیچ‌کدام به میزان ایمان به معاد نمی‌تواند در سامان دادن جامعه و افراد در ابعاد مختلف، مثمر ثمر واقع شود؛ زیرا خود مفهوم ایمان به خداوند نیز در اثر ترس از عقوبت در سرای آخرت، منجر به آثار مثبت می‌گردد (امیدی، ۱۳۹۳: ۱۴). بنابراین مهمترین عامل صیانت انسان از تبهکاری همان اعتقاد به قیامت و یاد معاد است. ممکن است کسی از نظر توحید ذاتی و توحید خالقی موحد باشد، ولی معتقد به معاد نباشد، اعتقاد به خدایی که از انسان بازخواست نکند سهل است، ولی اعتقاد به خدایی که نسبت به دنیا و آخرت ربوبیت دارد، دشوار و مسئولیت‌آور است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۹۸).

۱-۲. طهارت اقتصادی

طهارت از ماده‌ی «طهر» و به معنای پاکی است. ابن فارس می‌نویسد: طهارت به معنای از بین رفتن و زائل شدن نجاسات و ناپاکی‌ها و یا به معنای دیگر، پاکی در مقابل نجاسات و آلودگی‌هاست (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۴۲۸).

در آیات بسیاری از قرآن، مشتقات «طهر» به کار رفته و راغب اصفهانی معتقد است که طهارت در



عموم آیات قرآن بر دو معنی طهارت جسم و طهارت نفس حمل شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۰۲/۲). تفاسیر مختلف نیز، معانی متعددی برای هر یک بیان کرده‌اند. یکی از این آیات، آیه‌ی «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (۱۰۳/توبه) است که علامه طباطبائی ضمن تفسیر آیه در معنای کلمه «تطهیر» می‌نویسد: «به معنای برطرف کردن چرک و کثافت از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شود و آماده نشو و نما گردد و آثار و برکاتش ظاهر شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۹۷/۹).

طهارت معنای وسیعی دارد که هرگونه پاکسازی جسمی و روحی از آلودگی‌ها، پلیدی‌ها، گناهان و خَلَقیات و رفتارهای ناپسند را شامل می‌شود. طهارت روحی مقدمه‌ای برای عمل پاک و صحیح است و به عبارتی می‌توان گفت طهارت روحی، منجر به طهارت در اعمال می‌شود. در حقیقت طهارت ابتدا در تفکر، بینش و نگرش پدید می‌آید و آنگاه در مسائل عملی مانند امور مالی خود را نشان می‌دهد. اصطلاح طهارت اقتصادی برای اولین بار توسط رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مطرح گردید. معظم له شرط مشروعیت مسئولین حکومتی را منوط به طهارت اقتصادی آنان دانستند. منظور از طهارت اقتصادی در این پژوهش پاکسازی در بعد مالی و اقتصادی زندگی است. یعنی اینکه انسان اموالش را از حقوق و سهم دیگران با ادای آن، پاک کند و مراقبت داشته باشد که مال حرام و شبهه‌ناک وارد زندگی اش نشود.

۲. ملزومات اخلاقی طهارت اقتصادی

عملکرد افراد در بخش‌های جزئی و مختلف زندگی سازنده و شکل‌دهنده‌ی کلیت زندگی آنها است و نقش اخلاق در کیفیت زندگی، چنان بدیهی است که اغلب انسان‌ها تأثیر آن را در زندگی خود مشاهده کرده‌اند. در این میان، نقش اخلاق در حوزه‌ی اقتصاد به دلیل اثرگذاری آن بر حوزه‌های دیگر، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و دستیابی انسان به طهارت اقتصادی نیز بدون پالایش نفس از انحرافات و زدودن رذایل اخلاقی امکان‌پذیر نیست. در ادامه به بررسی این ملزومات اخلاقی می‌پردازیم.

۱-۲. پرهیز از طمع‌ورزی

یکی از الزامات اخلاقی طهارت اقتصادی پرهیز از طمع‌ورزی است که از خَلَقیات ناپسند و مذموم است. در تعریف آن نوشته‌اند: «تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۰۰/۲). نراقی طمع را توقع داشتن در اموال مردم می‌داند که بر اثر محبت به دنیا در درون انسان شکل می‌گیرد (نراقی، ۱۳۹۳: ۳۳۵). در حقیقت، طمع چیزی جز زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی نیست. در نهج‌البلاغه پرهیز از طمع، نشانه‌ی پرهیزکاران معرفی شده است (خطبه ۱۹۳).

طمع مختص مرفه‌ان نیست، بلکه همه‌ی انسان‌ها اعم از نیازمندان و سرمایه‌داران به نوعی برای رسیدن به مقاصد خود در معرض طمع‌ورزی هستند. امام علی (علیه السلام) برای این رذیله اخلاقی، آثار و



پیامدهای منفی بسیاری معرفی نموده است؛ زیرا دامنه‌ی آن چنان گسترده است که موجب فساد و تباهی انسان و جامعه می‌شود. امام در این باره می‌فرماید: «پرهیز از آنکه مرکب طمع‌ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند» (نامه ۳۱). در نهج‌البلاغه به برخی از این پیامدهای منفی اشاره شده است که از این موارد می‌توان به بی‌خردی (حکمت ۲۱۹)، پستی (حکمت ۲) زبونی و خواری (حکمت ۲۲۶) و بردگی همیشگی (حکمت ۱۸۰) اشاره کرد؛ چرا که افراد طماع برای رسیدن به مقصود خود باید تن به هر ذلتی بدهند و دست سؤال به سوی هرکس دراز کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۲/۳۱) و به طمع بهره‌ی بیشتر، به تملق، نفاق، دروغ و دیگر رذایل اخلاقی تن بدهند. از این روست که سقوط اخلاقی، مقصد نهایی طمع‌ورزان است. البته پرهیز از طمع‌ورزی بدان معنا نیست که آدمی از کوشش خودداری کند و به اندک بسازد؛ بلکه به این معناست که علاوه بر پشتکار و کوشش، به آن چه روزی و قسمت او بوده خشنود باشد و از زیاده‌طلبی و چشم داشتن به سهم دیگران خودداری کند؛ زیرا طمع‌ورزی انسان را به سمت خوردن حق دیگران، آلوده کردن درآمد و اموال و تباهی آخرت می‌کشد. بنابراین برای حفظ طهارت در مسائل مالی پرهیز از طمع‌ورزی ضرورت دارد.

۲-۲. پرهیز از بخل‌ورزی

یکی دیگر از رذیله‌های اخلاقی که مانع طهارت اقتصادی می‌شود، بخل‌ورزی است. در تعریف بخل آمده است: «عبارت است از امساک کردن در مقامی که باید بذل کرد و ندادن آنچه را که باید داد و این صفت رذیله، ثمره‌ی محبت به دنیا است» (نراقی، ۱۳۹۳: ۳۳۸). برخی نیز نوشته‌اند: «بخل در شرع امتناع کردن از پرداختن حقوق واجب و در فرهنگ عرب امتناع از بخشش به سائل است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۲۴/۱). یا گفته‌اند: «به این معناست که انسان حاضر نباشد چیزی از مواهب خداداد را در اختیار دیگران بگذارد، هرچند امکانات او بسیار بیش از نیازهایش باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۷/۱۲).

امام علی علیه السلام در مذمت این رذیله اخلاقی می‌فرماید: «بخل ننگ است» (حکمت ۳) و «بر ثروتمند واجب است که از دادن مال خویش به فقیر بخل نوزد» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵/۶۶۹). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (آل عمران/۱۸۰). همچنین می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَجُلٌ مِّنَ الْقُبُورِ» (عاديات/ ۶-۹). مفسران لغت «خیر» را در آیه‌ی اخیر به مال تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/۲۵۰). ابن‌ابی‌الحدید نیز ذیل کلامی از امام علی علیه السلام که آن را برگرفته از این آیه می‌داند، «خیر» را مال معنی کرده است (رک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲/۱۷۶). با توجه به این معنی برخی از مفسران معنای این آیه را این‌گونه دانسته‌اند: انسان برای دوستی مال،



بسیار شدید یعنی بخیل و تنگ نظر است و برخی نیز نوشته اند مراد آیه این است که انسان نسبت به مال دنیا شدیداً الحب است و این شدت حب وادارش می کند به اینکه از دادن حق خدا امتناع بورزد و مال خود را در راه خدا انفاق نکند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰۴/۱۰)؛ لذا امام حتی از مشورت با بخیل نیز نهی می فرماید: «بخیل را در مشورت کردن دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگ دستی می ترساند» (نامه ۵۳).

با توجه به تکلیفی که خداوند ذیل عنوان کمک به هم نوعان بر عهده ی انسان ها گذاشته و حقوقی که برای افراد نیازمند تعیین کرده است، آلودگی به صفت بخل، مانع از ادای تکلیف و پرداخت حقوق خواهد شد و مانعی برای طهارت اقتصادی است و با روح معادباوری نیز ناسازگار است.

۳-۲. پرهیز از آرزوهای طولانی

در آموزه های اسلامی داشتن آرزوهای دور و دراز مذمت شده است. قرآن کریم اشتغال به آرزوهای دراز را دام شیطان معرفی می کند، شیطان می گوید: «وَأَصْلَتْهُمْ وَ لَأْمَنِّيَنَّهُمْ» (نساء / ۱۱۹) (و مسلماً آن ها را گمراه می کنم و به آرزوی دور و دراز) دچار می سازم). اما آرزو به خودی خود مذموم نیست بلکه آرزو بر دو قسم است یکی ممدوح (صادق) و دیگری مذموم (کاذب). آرزوی ممدوح یا صادق آرزویی است که انسان را از یأس و ناامیدی رها کرده و مانند موتوری او را به جلو پیش ببرد و قدم به قدم به اهداف والای انسانی نزدیک کند. آرزویی هم که انسان را غرق در اوهام و خیالات کند و او را از واقعیت های زندگی و اهداف مفید و سازنده دور سازد، آرزوی مذموم و کاذب است. با دقت در تعابیر امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه معیار این خوب و بد بودن روشن می شود. از نظر ایشان، شاخصه ی آرزوی مذموم، طولانی بودن آن است که با عبارت «طُولُ الْأَمَلِ» از آن یاد شده است. امام در نکوهش چنین آرزویی می فرماید: «ای مردم همانا بر شما از دو چیز می ترسم: که یکی از آن دو آرزوهای طولانی است؛ و اما آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می برد» (خطبه ۴۲).

هرگاه آرزو از حد اعتدال خارج شود و انسان به سراغ امور دست نیافتنی و یا غیر ضروری و خارج از حد نیاز برود، طبیعی است که چنین کسی برای رسیدن به هدف خود هر وسیله ای را مباح می شمرد و سرانجام گرفتار سوء عمل می شود. در حالی که اگر دامنه ی آرزو را کوتاه می کرد و به آنچه مورد نیازش بود قناعت می نمود از آلوده شدن به حرام در امان می ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۴۱/۱۲). از طرفی پرداختن بیش از حد به چیزی باعث فرو ماندن از امور دیگر می شود و تمام فکر و ذهن درگیر آن موضوع و خیال بافی و رؤیاسازی می شود. اینجاست که آرزوهای دور و دراز، بزهکاری و کردار ناپسند را به دنبال دارد (حکمت ۳۶).

امام علی (علیه السلام) به زیان کاری انسان هایی اشاره می کند که در دنیا مشغول آرزوهای خود شده اند و از راه حرام و غیر حرام اموالی به دست آورده اند و در این بین، کسانی که از راه حرام به دست آورده باشند به زیانی



آشکار و مضاعف دچار شده‌اند: «ای مردم از خدا بترسید، چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید و سازنده‌ی ساختمانی که در آن مسکن نکرد و گرد آورنده‌ای که زود آنچه را گرد آورده رها خواهد کرد، شاید که از راه باطل گرد آورده و یا حق دیگران را باز داشته و با حرام به هم آمیخته، که گناهش بر گردن اوست و با سنگینی بار گناه در می‌گذرد و با پشیمانی و حسرت به نزد خدا می‌رود که: «در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیان کاری آشکار» (حکمت ۳۴۴).

روشن است که آرزوهای دور و دراز و تلاش برای رسیدن به آن‌ها موجب می‌شود که انسان به هر سببی دست بزند تا به خواسته‌ی خویش برسد از این رو در این مسیر گرفتار آسیب‌ها و رفتارهای ناپسند دیگری می‌شود. بنابراین آرزوی داشتن سود و ثروت بیشتر، خانه‌ها و مرکب‌های مجلل و گران‌قیمت سوق دهنده‌ی به سمت فساد اقتصادی است و برای حفظ پاکی و طهارت اموال، دوری از آرزوهای دور و دراز که از راه حلال امکان دستیابی به آن وجود ندارد، ضرورت می‌یابد.

۳. طهارت اقتصادی در کسب رزق و روزی

کسب رزق و روزی از ملزومات زندگی دنیوی است. با مطالعه‌ی نهج البلاغه روشن می‌گردد که روزی دو نوع است و امام علی علیه السلام در چندین مورد به آن اشاره فرموده است: «ای فرزند آدم روزی دو گونه است، روزی که تو آن را جویی و روزی که تو را می‌جوید که اگر به سراغش نروی به سوی تو آید...» (حکمت ۳۷۹). طبق کلام امام گونه‌ای از رزق و روزی مشروط به تلاش و کوشش است که اگر انسان به دنبال آن نرود و تلاش معاش نکند از آن محروم خواهد شد و قسم دوم حتمی است و غیر قابل تغییر که اگر انسان به دنبال آن برود یا نرود به او می‌رسد. اساس، قسم اول است، هر چند در کلام امام به هر دو قسم اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳/ ۶۴۲). منظور امام از روزی‌هایی که انسان باید به دنبال آن برود کسب و کارهای روزانه است؛ مانند زراعت، صنعت، تجارت و امثال آن و منظور از روزی‌هایی که به دنبال انسان می‌آید، هر چند انسان به دنبال آن نرود، اموری مانند ارث، هدایا، و یا تجارت و درآمدهای غیرمنتظره‌ای است که انسان به چنگ می‌آورد (همان، ۱۳۸۷: ۹/ ۶۶۵). لازم می‌آید طهارت اقتصادی در کسب قسم اول رزق و روزی، توجه به موارد ذیل است:

۳-۱. آموزش فقه قبل از تجارت کردن

در دین اسلام احکام موردنیاز از طریق قرآن و سنت بیان شده است. در کتب فقهی برای هر کدام از موضوعات باری در نظر گرفته شده که در آن به تبیین احکام مربوطه پرداخته است. یکی از دلایل آلوده شدن انسان به رذایل، عدم علم و آگاهی است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ای گروه بازرگانان، ابتدا احکام فقهی تجارت را بیاموزید، سپس تجارت کنید، به خدا قسم تاجر و بازرگان تبهکار است و تبهکار در آتش است؛ مگر این که به راستی و درست‌ی بگردد و به راستی و درست‌ی بپردازد» (کلینی،



۱۳۶۷: ۵/ ۱۵۰). در جای دیگری نیز می‌فرماید: «کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به ربا خواری آلوده شود» (حکمت ۴۴۷).

در روایات دیگری امام علی (علیه السلام) به مردی که در پی کسب و کار بود چنین فرمود: آیا اطلاع از احکام دینی خود داری؟ گفت: پس از کار چنین خواهیم کرد. فرمود: وای به حال تو، آگاهی به احکام و مسائل دین خدا پیدا کن، سپس کار کن؛ زیرا اگر کسی خرید و فروش کند و از حرام و حلال آن نپرسد در رباخواری فرو رفته سپس گرفتار شود» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۳/ ۲۴۷).

با توجه به سخنان امام آموزش فقه قبل از تجارت ضرورت می‌یابد؛ زیرا فعالیت اقتصادی سالم، مرهون آن است که قبل از شروع تجارت، بازرگانان، فروشندگان و دست اندرکاران مربوطه نسبت به اصول فقهی مربوط به آن، آشنایی کامل پیدا کرده و آداب معاملاتی صحیح و مشروع را بیاموزند. بدون شک اگر کسی بدون آگاهی از احکام و قوانین مربوط، به تجارت بپردازد، بیم آلودگی او به مال حرام بسیار زیاد است. اعتقاد به رستاخیز و تفکر در باب آن، محرکی برای یادگیری این اصول قبل از شروع به فعالیت اقتصادی و کسب و کار است. از طرفی یادگیری این احکام فقهی موجب سلامت نظام اقتصادی در بعد فردی و جمعی می‌گردد و برکات فراوانی به ارمغان می‌آورد.

۲-۳. تلاش در جهت کسب درآمد حلال

در آموزه‌های اسلامی به کسب درآمد حلال تأکید بسیاری شده است که نشان از اهمیت زیاد و آثار فراوان آن در زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد. امام علی (علیه السلام) نیز کسب درآمد حلال را از اموری می‌داند که دارای اهمیت بالایی بوده و نشانه‌ی خردمندی است: «خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: که یکی از آن سه، کسب حلال برای تأمین زندگی است» (حکمت ۳۹۰). در کلام دیگری نیز آن را نشانه‌ی پرهیزکاری می‌داند و می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که در جستجوی کسب حلال می‌باشند» (خطبه ۱۹۳).

کوتاهی دنیا در مقابل ابدیت آخرت این نکته را می‌رساند که آخرت بر دنیا اولویت و ارجحیت دارد. از این رو کسب حلال اهمیت می‌یابد. لزوم پاسخ‌گویی در قیامت انسان را متنبه می‌کند که با تزیین حقوق دیگران و دست‌اندازی به اموال آنان برای خود حسرتی جانکاه نیافریند. امام درباره‌ی بزرگ‌ترین حسرت می‌فرماید: «بزرگ‌ترین حسرت‌ها در روز قیامت، حسرت خوردن مردی است که مالی را به گناه گرد آورد و آن را شخصی به ارث برد که در اطاعت خدای سبحان، بخشش کرد و با آن وارد بهشت شد و گرد آورنده اولی وارد جهنم گردید» (حکمت ۴۲۹).

تلاش در جهت کسب درآمد حلال توسط افراد جامعه و پذیرش سختی‌هایی که در این راه متحمل می‌گردند ریشه در معادباوری افراد داشته و نتیجه‌ی آن طهارت نظام اقتصادی در بعد فردی و اجتماعی است.



۳-۳. پرهیز از تحصیل مال نامشروع و شبهه‌ناک

تحصیل مال از طریق نامشروع از بدترین رذیلت‌های رفتاری است که دین اسلام به شدت آن را نکوهش کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره/۱۷۲) (از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و برخوردار شوید). امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «ای مردم خوشا به حال کسی که غذای حلال خود را بخورد» (خطبه ۱۷۶)، زیرا: «بدترین غذاها لقمه‌ی حرام است» (نامه ۳۱).

پیامدهای منفی حرام‌خواری بسیار زیاد است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بسا لقمه‌ای گلوگیر که از لقمه‌های فراوانی محروم می‌کند» (حکمت ۱۷۱). یکی از وجوه این کلام امام می‌تواند محرومیت مادی و معنوی ناشی از حرام‌خواری باشد. امام ضمن پرهیز از خوردن لقمه‌ی حرام، به ناظر بودن خداوند اشاره فرموده است: «لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید، شما برابر دیدگان خداوندی قرار دارید که گناهان را حرام کرد و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود» (خطبه ۱۵۱). در سفارش به یکی از کارگزاران خود نیز در این باره می‌فرماید: «اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن» (نامه ۴۵). اعتقاد به آخرت، چارچوبی را برای مصرف شخص مسلمان پدید می‌آورد که آن را با اراده و اختیار، به صورت الزام دینی، در جهت دوری از حرام‌خواری برای خویش بر می‌گزیند که بر اساس آن نسبت به لقمه‌ی شبهه‌ناک نیز دقت، وسواس و حساسیت به خرج می‌دهد. هرگاه انسان، دنیا را هدف غایی خویش بداند از هر طریقی برای به دست آوردن مال و ثروت استفاده می‌کند و این رذایل غالباً بر اثر فراموشی آخرت اتفاق می‌افتد.

۴. طهارت اقتصادی از طریق پرداخت حقوق شرعی و انسانی

تلاش در اندوختن ثروت فراوانی که دیگران از آن بهره‌ای نداشته باشند امری مذموم است. البته بدیهی است که تلاش برای کسب ثروت فی نفسه مذموم نیست و آنچه مذموم است تکاثر و جمع‌آوری مال و ثروتی است که دیگران از آن بهره‌ای نداشته باشند. خداوند بخشی از حق نیازمندان را در اموال اغنیاء قرار داده است. پرداخت بخشی از درآمد و اموال به نیازمندان موجب طهارت و پاکی اموال می‌گردد. حتی اگر شارع مقدس این حق را تعیین نکرده باشد، وجدان و عاطفه‌ی انسانی حکم می‌کند که انسان به هم‌نوعان نیازمند خود کمک کند. ذیلاً به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۴-۱. پرداخت زکات

پرداخت زکات از تکالیف اقتصادی مسلمانان است که افزون بر توزیع و تعدیل ثروت میان افراد جامعه و برقراری عدالت اجتماعی- اقتصادی، نقش مهمی در طهارت اقتصادی دارد. در قرآن کریم همواره زکات بعد از نماز آمده است (بقره / ۱۱۰). نماز رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و



زکات نیز رمز همبستگی‌های اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۴۰۰).

زکات در لغت به معنای رشد و برکت است و در اصطلاح، انتخاب شده و برگزیده‌ی چیزی می‌باشد و آنچه را که از مال خارج می‌سازند، تا به وسیله‌ی آن بقیه‌ی مال را پاک کنند، زکات نامیده می‌شود (فیروزآبادی، ۱۴۲۲: ۱۱۱۸). بنابراین طبق معنای اصطلاحی، زکات تطهیر کننده‌ی اموال است.

خداوند می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳) (از اموال آنان زکاتی بگیر که بدین کار (جان و مال) آنها را پاکیزه می‌کنی و رشد می‌دهی و بر آنها دعا کن و درود فرست که همانا دعا و درود تو مایه‌ی آرامشی برای آنهاست و خداوند شنوا و داناست). این آیه‌ی شریفه متضمن حکم زکات مالی است، که خود یکی از ارکان شریعت و ملت اسلام است. کلمه «تطهیر» به معنای برطرف کردن چرک و کثافت از چیزی است که بخواهند پاک و صاف شود و آماده نشو و نماء گردد و آثار و برکاتش ظاهر شود، و کلمه «تزکیه» به معنای رشد دادن همان چیز است، بلکه آن را ترقی داده خیرات و برکات را از آن بروز دهد، مانند درخت که با هرس کردن شاخه‌های زائدش، نموش بهتر و میوه‌اش درشت‌تر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۵۱۳).

پرداخت زکات به این دلیل از وظایف واجب مکلفین است که «خداوند روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (حکمت ۳۲۸). منظور از حق واجب در اینجا زکات است و ثروتمندان، جلوی روزی فقرا را گرفته‌اند (رک: بحرانی، ۱۳۷۵: ۵/۶۸۷). امام به پدر فرزدق، غالب بن صعصعه فرمود: شتران فراوانت چه شده‌اند؟ پاسخ داد، ای امیر مؤمنان، پرداخت حقوق، آنها را پراکنده ساخت. امام فرمود: این بهترین راه مصرف آن بود» (حکمت ۴۴).

امام در تبیین فلسفه‌ی زکات و اثر تربیتی آن می‌فرماید: «خداوند بندگان مؤمنش را با زکات حفظ کرده است تا اعضا و جوارحشان آرام و دیدگانشان خاشع و جان و روانشان فروتن و دل‌هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بریندد و پرداخت زکات برای مصرف شدن میوه‌جات زمین و غیر آن در جهت نیازمندی‌های فقرا و مستمندان است» (خطبه ۱۹۲).

با توجه به سخنان فوق، پرداخت زکات که از وظایف مسلمانان است نقش عمده‌ای در طهارت اقتصادی خود و نیازمندان دارد و آثار تربیتی فراوانی برای پرداخت کننده به همراه دارد.

۲-۴. انفاق و ایثار اقتصادی

انفاق و ایثار اقتصادی در تحقق طهارت اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. راغب اصفهانی در معنای آن می‌نویسد: «واژه‌ی «انفاق»، هم در مال و هم در غیر مال به کار می‌رود که یا واجب است و یا مستحب» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴/۳۸۶). منظور از انفاق در این پژوهش انفاق‌های مستحبی است. نموده‌های انفاق مستحبی فراوان است مانند: صدقه، هدیه، ولیمه، میهمانی، کارهای عام المنفعه، عقیقه، قربانی،



تقبّل هزینه‌های تبلیغات دینی، ساختن مسجد و حسینیه و... (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۱۰۲).

قرآن کریم مهمترین اسباب نجات انسان در قیامت را انفاق و بخشش در راه خدا دانسته و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۲۷۴) (کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، آنها را در نزد پروردگارشان پاداشی است درخور مقامشان، و (در آخرت) نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت).

انفاق علاوه بر گشایشی که برای نیازمندان ایجاد می‌کند موجب تزکیه‌ی نفس انفاق‌کننده و طهارت اموال او نیز می‌گردد. امام علی علیه السلام در موارد متعددی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ارزش انفاق در راه خدا و اهمیت آن اشاره فرموده است: «خوشا به حال آن کس که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند» (حکمت ۱۲۳). همچنین می‌فرماید: «الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ وَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصْبٌ أَعْيُنُهُمْ فِي آجَالِهِمْ» (حکمت ۷) (صدقه دادن دارویی ثمربخش است و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه گر است). تعبیر «دواء» (دارو) و «منجج» (مؤثر و شفابخش) به طور مطلق نشان می‌دهد که این کار هم درمان‌کننده‌ی بیماری‌های فردی و هم بیماری‌های اجتماعی است؛ از قبیل اینکه ایتم سرپرستی می‌گردند و بر آلام مستمندان مرهم نهاده می‌شود و بیماران محروم از این طریق درمان می‌شوند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۶۷/۱۲-۶۸).

انفاق از جمله رفتارهایی است که با معادباوری ارتباط مستقیم دارد. امام علی علیه السلام در نامه‌ی معروف ۳۱ خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «بدان! راهی پر مشقت و بس طولانی در پیش روی داری و در این راه بدون کوشش بایسته و تلاش فراوان و اندازه‌گیری زاد و توشه و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود. بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها به دوش نگیر، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است. اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات تا قیامت می‌برد و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می‌گرداند کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی داری بیشتر انفاق کن و همراه او بفرست زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی» (نامه ۳۱). همچنین در کلامی دیگر می‌فرماید: «پس، از خدا چونان کسی پروا کنید که... آخرت را آبادان و زاد و توشه برای روز حرکت، هنگام حاجت و جایگاه نیازمندی، آماده ساخت و آن را برای اقامتگاه خویش، پیشاپیش فرستاد» (خطبه ۸۳).

برای انفاق میزان مشخصی تعیین نشده است و ارزش این رفتار به قدری بالا است که کمترین میزان انفاق نیز پاداش الهی را به دنبال دارد. انفاق موجب تطهیر اموال و دارایی‌ها می‌شود و خداوند وعده داده است که در این صورت بر میزان نعمت و بقای آن می‌افزاید.

۳-۴. پرداخت قرض الحسنه

در فرهنگ اسلامی قرض دادن پول، کالا و اموال به دیگران یکی از رفتارهای پسندیده‌ی اقتصادی است که می‌تواند برطرف کننده‌ی بخشی از مشکلات مردم باشد. خداوند در آیه‌ی ۱۱ سوره حدید می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (کیست که به خداوند وام دهد، وامی نیکو؟ تا خدا آن را برای او چند برابر کند و او را پاداشی پر ارج و پسندیده باشد). در این آیه خدا انسان‌ها را به دادن قرض الحسنه به یکدیگر دعوت می‌کند، اما نکته قابل توجه این است که خدا قرض دادن به مؤمنین را قرض دادن به خودش می‌داند.

در باره‌ی فضیلت قرض دادن به دیگران روایات زیادی وارد شده است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلَبْتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ قَنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۹) (هر کس به گرفتار و درمانده‌ای قرض بدهد و در پس گرفتن آن خوش رفتاری کند گناهانش پاک شده، اعمالش را دوباره شروع می‌کند و خداوند در برابر هر درهم، هزار قنطار در بهشت به او عطا کند).

امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «هر کس برای خدا به محتاجان قرض دهد و امش را بپردازد» (خطبه ۹۰). همچنین قرض دادن به دیگران را فرصتی می‌داند که باید آن را مغتنم شمرد: «به هنگام بی‌نیازی اگر کسی از تو وام خواهد غنیمت بشمار تا در روز سختی و تنگدستی به تو بازگرداند، بدان که در پیش روی تو، گردنه‌های صعب العبوری وجود دارد که حال سبک باران به مراتب بهتر از سنگین باران است و آن که کند رود حالش بدتر از شتاب‌گیرنده می‌باشد و سرانجام حرکت، بهشت و یا دوزخ خواهد بود، پس برای خویش قبل از رسیدن به آخرت وسائلی مهیا ساز و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن، «زیرا پس از مرگ، عذری پذیرفته نمی‌شود» و راه بازگشتی وجود ندارد» (نامه ۳۱). کلام فوق بیانگر تأثیر قرض دادن به نیازمندان در ساختن زندگی اخروی برای خویش است.

در خطبه‌ی ۱۴۲ نیز قرض دادن به دیگران را موجب درک فضائل سرای آخرت می‌داند و می‌فرماید: «آن کس که خدا او را مالی بخشید، پس باید قرض و امدار را بپردازد و برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران، و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد شکیبا باشد، زیرا به دست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضائل سرای آخرت است» (خطبه ۱۴۲). بنابراین قرض دادن به دیگران از رفتارهای پسندیده‌ای است که موجب گره‌گشایی از کار مردم و رفع گرفتاری آنان خواهد شد و با معادباوری رابطه‌ای مستقیم و متقابل دارد.

۵. طهارت اقتصادی در مناصب و مشاغل خصوصی و دولتی

باور و اعتقاد به معاد در طهارت اقتصادی متصدیان مناصب در سطوح عملیاتی، میانی و عالی و مشاغل و فعالیت‌های خرد و کلان نقش اساسی دارد. امام علی (علیه السلام) در فرمان‌های حکومتی کارگزاران و



زیردستان خود را به یادآوری مرگ و حسابرسی الهی متوجه می‌کند تا از این طریق از قدرت بازدارنگی معاد استفاده کرده و آنان را از خیانت در بیت‌المال و تبعیض و بی‌انصافی به دور دارد. خطمشیی که امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه پیش روی ما قرار داده است نقشه راه را به خوبی و روشنی ترسیم نموده است. در ادامه به طرح این موارد می‌پردازیم:

۵-۱. احتیاط در مصرف بیت‌المال

از جمله اموری که در حفظ طهارت اقتصادی ضرورت دارد، احتیاط در مصرف بیت‌المال است. امام علی (علیه السلام) در پاسخ به عبدالله بن زمه که از یاران ایشان بود و درخواست مالی داشت فرمود: «این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست. غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی وگرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود» (خطبه ۲۳۲) و این گویای ضرورت دقت و احتیاط در مصرف بیت‌المال است. نمونه‌های فراوانی از احتیاط و عدالت امام در تقسیم بیت‌المال در کتب تاریخی موجود است. شعبی می‌گوید در حالی که نوجوان بوم وارد کوفه شدم ناگاه علی (علیه السلام) را دیدم کنار دو تپه از طلا و نقره ایستاده و آنها را میان مردم تقسیم کرد آن چنان که چیزی از آن باقی نماند و سپس برگشت و چیزی از آن نه کم و نه زیاد به خانگی خود نبرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۲) و می‌گویند تقسیم بیت‌المال توسط او به گونه‌ای بود که در روز جمعه در آن آب می‌پاشید و دو رکعت نماز به جا می‌آورد (تقفی، ۱۴۱۰: ۵۶/۱). امام در دوران حکومتش از دسترنج خودش ارتزاق می‌نمود، از ترس اینکه چیزی از بیت‌المال بر آن افزوده نشود، آن را در کیسه‌ای می‌گذاشت و سرش را مهر می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸۹/۲).

امام علی (علیه السلام) بذل و بخشش اموال دولتی و بیت‌المال را ستمگری می‌دانستند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۲). از این رو می‌بینیم که امام (علیه السلام) در هیچ شرایطی حاضر به استفاده‌ی نادرست از بیت‌المال نبود، به امام گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنها را جذب می‌کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند. امام (علیه السلام) فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود نیز به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزء اموال خداست...» (خطبه ۱۲۶؛ رک: خطبه ۲۲۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰۰/۲). این شدت احتیاط امام (علیه السلام) نشئت گرفته از معادباوری عمیق او است.

۵-۲. پرهیز از ویژه خواری

اموال عمومی و امکانات خدادادی برای بهره‌برداری همگانی است. کسانی که این منابع را به خود و



نزدیکانشان اختصاص می‌دهند انحصارگرا و ویژه‌خوار هستند (حکیمی، ۱۳۸۵: ۳۲). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس انحصارطلبی کند هلاک خواهد شد» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۷). همچنین در نامه به مالک اشتر پیرامون این موضوع هشدار داده است: به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار نکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد. زیرا در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند (رک: نامه ۵۳). در جای دیگری نیز در این باره فرموده است: «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو باز می‌گیرند» (رک: نامه ۵۳).

با مطالعه‌ی سیره‌ی امیرالمومنین علیه السلام در می‌یابیم که امام علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی برای خود و هیچ یک از نزدیکان خود امتیاز ویژه‌ای قائل نبوده است. در کتب تاریخی موارد متعددی از برخورد‌های ایشان با افراد امتیازطلب ذکر شده است. ماجرای آمدن عقیل، برادر امام علیه السلام نزد ایشان و درخواست تقاضای اضافه از بیت المال و پاسخ ایشان به تقاضای عقیل، گواه عدم امتیاز دهی ایشان است.

۳-۵. پرهیز از رشوه خواری

رشوه نیز پول یا مال و نعمتی است که شخص آن را به مسئولی یا غیر او می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا او را ترغیب کند که آنچه او می‌خواهد انجام دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه آن را لعنت کرده است (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۸۱/۲). برای رشوه سه مصداق می‌توان در نظر گرفت که عبارتند از: رشوه در حکم، رشوه برای کسب قدرت و غلول که از نظر امام علیه السلام هر سه مردود می‌باشند (ذاکری، ۱۳۸۵: ۶۸) زیرا اخذ این پول‌ها با معادباوری منافات داشته و موجب آثار منفی در زندگی شخصی و فساد و نابسامانی در جامعه می‌شود.

امام علیه السلام در نهج البلاغه ضمن تعریف ماجرای عقیل می‌فرماید: «از این حادثه شگفت‌آورتر اینکه شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سر پوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی، یا قی کرده آن مخلوط کرده‌اند به او گفتم: «هدیه است یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است.» گفت: «نه، نه زکات است نه صدقه، بلکه هدیه است.» گفتم: «زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی یا هذیان می‌گویی! به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست‌تر است. علی را با نعمت‌های فنا پذیر، و لذت‌های ناپایدار چه کار! به خدا پناه می‌بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها و از او یاری می‌جوییم» (خطبه ۲۲۴).

۴-۵. امانت داری و پرهیز از خیانت در بیت المال

امانت‌داری و پرهیز از خیانت در بیت المال یکی دیگر از امور مهمی است که در حفظ طهارت اقتصادی در زمان تصدی مناصب و مشاغل از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و بایسته است که مسئولین و شاغلین بدان توجه داشته باشند. امانت معنی وسیعی دارد و در یک تقسیم کلی می‌توان گفت امانت دو قسم است: امانت مالی و امانت غیرمالی که شامل موارد بسیاری می‌گردد.

امام علی (علیه السلام) پست و مقام را یکی از مصادیق امانت می‌داند و می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن توست» (نامه ۵). این تعبیر بیانگر دیدگاه اسلام درباره‌ی پست‌ها و منصب‌های حکومتی است. از دیدگاه اسلام رئیس حکومت، وزرا، استان‌داران و فرماندهان، تنها امانت‌دارانی هستند که امانت جامعه‌ی اسلامی از سوی خداوند به آن‌ها سپرده شده و نباید آن را وسیله‌ی برتری جویی و تحصیل منافع شخصی کنند؛ بلکه باید مانند هر امانت‌دار امین از آن مراقبت به عمل آورده و سالم به دست اهلیش بسپارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹/ ۷۱).

بیت المال برای بهره‌برداری همگانی و استفاده‌ی عموم مردم است و آنچه در اختیار مسئولین نهاده شده، امانت است. خیانت در بیت المال سبب تضییع حقوق مردم و برهم خوردن عدالت و موازنه‌ی اقتصادی - اجتماعی می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده است و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود؛ همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است...» (نامه، ۲۶).

امام علی (علیه السلام) خیانت در بیت‌المال را مغایر با معادباوری می‌داند و نسبت به این امر بسیار دقیق و سخت‌گیر بوده و به یکی از کارگزاران متخلف خود چنین می‌فرماید: «همانا شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین کرد و گمان کردم همانند پدرت می‌باشی و راه او را می‌روی. ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می‌کنی و برای پیوستن با خویشاوندانت از دین خدا بریده‌ای. اگر آنچه به من گزارش رسیده درست باشد شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند یا ارزش او بالا رود یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند پس چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا» (نامه ۷۱).

در نامه‌ای به یکی دیگر از کارگزارانش نیز فرموده است: «از تو خبری رسیده که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته، و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نامه ۴۰).

امام (علیه السلام) در جای دیگری نیز می‌فرماید: «سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به

سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می‌رود و در خاك، زمانی طولانی اقامت می‌کند؟» (خطبه ۲۲۴) و خطاب به مردم کوفه فرموده‌اند اگر من از شهر شما با چیزی بیشتر از مرکب و بار مختصر خود و غلامم بروم خائن خواهم بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲/۲۰۰).

این مؤلفه که نشان دهنده‌ی تقید به امور دینی و معادباوری و تعهد شخص در برابر جامعه است، بیت المال و حقوق مردم را از گزند دزدی، چپاول و دست‌درازی پاسداری کرده و طهارت اقتصادی را برای مسئولین در پی دارد.





نتیجه‌گیری

در تمامی جوامع، مسائل اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردارند و توجه گسترده و عمیق امام علیه السلام به این موضوعات و ارائه راه‌های کاربردی برای ایجاد پاکسازی و طهارت در این امور، نشان‌دهنده‌ی اهتمام امام علیه السلام به راهنمایی و ارشاد مردم و نهادینه کردن رفتارهای پسندیده اقتصادی در زندگی فردی و جمعی آنان است.

معادباوری از عوامل کلیدی است که می‌تواند انسان را از شر هواهای نفسانی و دنیاگرایی که مایه‌ی همه‌ی لغزش‌ها و خطاها است نجات دهد. نقش تربیتی این مؤلفه در تحقق طهارت اقتصادی بسیار برجسته است. میان «معادباوری» و «طهارت اقتصادی» ارتباطی مستقیم و دوجانبه برقرار است؛ به گونه‌ای که حرکت به سمت هر کدام بر دیگری اثرگذار است و هر چه معادباوری مسلمانان تقویت شود، به همان میزان موجب حرکت آنها به سمت رفتارهای پسندیده‌ی اقتصادی و دوری از رفتارهای ناپسند می‌گردد و بالعکس. زیرا کسی که به معاد و برگشت دوباره اعتقاد دارد از دست‌اندازی به حقوق دیگران و تحصیل مال نامشروع خودداری می‌کند و حقوقی که به گردنش است را می‌پردازد. او می‌داند که پاداش این اعمال را در سرای دیگر دریافت خواهد کرد و نمود این تأثیرپذیری هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی قابل مشاهده است. در پرتو معادباوری خلیقات پسندیده تقویت شده و خلیقات ناپسند نیز کم‌رنگ می‌شوند و از آنجایی که بخشی از این خلیقات پیش‌زمینه‌هایی هستند که مسیر را برای طهارت اقتصادی هموار می‌کنند، نقش مهم و اساسی تربیتی معاد روشن‌تر می‌گردد.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم، مترجم علی مشکینی، ۱۳۹۳ ش، چاپ اول، قم، الهادی.
- نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ۱۳۹۳ ش، چاپ هجدهم، قم، پیام مقدس.
- ۱- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، چاپ اول، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی.
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، ج ۳، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۴- امیدی، ابوالفضل، ۱۳۹۳ ش، آثار دنیوی ایمان به معاد در نهج البلاغه و شروح آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ۵- باقریان ساروی، احمد، ۱۳۸۱ ش، معاد در نهج البلاغه، قم، مهر امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- ۶- بحرانی، ابن میثم، ۱۳۷۵ ش، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۵، چاپ اول، مترجم قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۷- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸- تفتی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۳ ش، الغارات، تحقیق: جلال الدین محدث، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی.
- ۹- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷ ش، معادشناسی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۰- جمعی از نویسندگان، بی تا، اصول پنج گانه اعتقادی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸ ش، تفسیر تسنیم، ج ۲، قم، اسراء.
- ۱۲- حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۳- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة، ج ۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ۱۴- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، ۱۳۸۳ ش، الحیة، مترجم، احمد آرام، ج ۵، چاپ ششم، قم، دلیل ما.
- ۱۵- حکیمی، محمد، ۱۳۸۵ ش، زمینه ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی، چاپ سوم، تهران، کانون اندیشه جوان.



- ۱۶- ذاکری، علی اکبر، ۱۳۸۵ش، اخلاق کارگزاران، چاپ سوم، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، محقق و مترجم غلامرضا خسروی حسینی، ج ۲ و ۴، چاپ دوم، تهران، مرتضوی.
- ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۹ و ۱۴، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۹- _____، ۱۳۸۴ش، اصول عقاید و دستورات دینی، قم، دفتر نشر آثار علامه طباطبایی.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، ج ۱۰، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۲۱- طریحی، فخر الدین، ۱۴۰۸ق، مجمع البحرين، ج ۲، چاپ دوم، بی‌جا، مکتب النشر الثقافة الاسلامیة.
- ۲۲- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۲ق، قاموس المحيط، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ش، کافی، ج ۵، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۴- مظاهری، حسین، ۱۳۹۳ش، معاد سرنوشت جاودانه انسان، چاپ اول، اصفهان، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (ع).
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، ج ۱ و ۲۷، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۸ش، معاد و جهان پس از مرگ، چاپ هفتم، قم، سرور.
- ۲۷- _____، ۱۳۸۰ش، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۳، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۸- _____، ۱۳۸۷ش، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۹، چاپ اول، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۹- _____، ۱۳۹۰ش، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۱۲، چاپ اول، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ۳۰- نراقی، احمد، بی‌تا، معراج السعادة، بی‌جا، بی‌نا.
- ۳۱- نوری طبرسی، میرزا حسن، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.